



«نشریه علمی آموزش و ارزشیابی»

سال دوازدهم - شماره ۴۸ - زمستان ۱۳۹۸

ص. ص. ۱۳۰-۱۰۳

تدوین مدلی برای بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش‌های تدریس با استفاده از نظریه داده بنیاد

عبدالرسول رحمانیان کوشکی^۱، بهرام برزگر^{۲*}، اسماعیل کمالی‌راد^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۷

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۸/۱۲/۱۳

چکیده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های دانشگاه‌ها، تربیت حسابداران لایق است که نیازهای سازمان‌ها را برطرف سازند. در سال‌های اخیر مسئله کیفیت آموزش و تدریس از مباحث مهم در نظام‌های آموزشی دیده شده است، از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در بحث کیفیت دانشگاه‌ها مدنظر قرار گرفته است، روش‌های تدریس است. هدف این پژوهش بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش‌های تدریس است که به شیوه کیفی و با استفاده از راهبرد مبتنی بر نظریه داده بنیاد انجام شده است. در این راستا با استفاده از رویکرد هدفمند و بکارگیری معیار اشباع نظری، مصاحبه‌هایی نیمه ساختار یافته با ۲۱ نفر از اساتید و خبرگان حسابداری انجام شده است، برای بدست آوردن اعتبار و روایی داده‌ها از دو روش بازبینی مشارکت کنندگان و مرور خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده شد. نتایج تحلیل داده در طی سه مرحله، کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی با کمک نرم افزار مکس کیو دی ای ۲۰۱۸ به مفاهیم مجزا تفکیک شدند و ۱۸ مقوله کلی به دست آمد. این مقاله یافته‌های مطالعه را در چارچوب مدل پارادایمی شامل: شرایط علی (۵ مقوله)، پدیده محوری (بهبود کیفیت آموزش حسابداری به عنوان یک رویکرد کلی در تدریس)، راهبردها (۲ مقوله)، زمینه (۳ مقوله)، شرایط مداخله گر (۳ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله) تحلیل کرده است. یافته‌ها به طور کلی نشان دادند که به کارگیری مناسب مؤلفه‌های روش‌های تدریس تضمین کننده یادگیری است و کیفیت تدریس و در نهایت کیفیت آموزش حسابداری را بهبود می بخشد.

واژگان کلیدی: کیفیت آموزش حسابداری، روش تدریس، نظریه داده بنیاد

۱- دانشجوی دکتری گروه حسابداری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

۲- استادیار گروه حسابداری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

*- نویسنده مسئول bbarzegar@iaubushehr.ac.ir

۳- استادیار گروه مدیریت اجرایی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Developing a Model for Improving the Quality of Accounting Education by Analyzing Teaching Methods Using Grounded Theory

Abdolrasoul rahmanian koushkaki, Bahram barzegar, esmaeil kamalirad

Data of receipt: 2019.11.18

Data of acceptance: 2020.03.03

Abstract

One of the most important concerns of executives is the need for training accountants to meet the needs of organizations. In recent years, the issue of the quality of education and teaching has been viewed as major issues in educational systems, one of the most important component that has been taken into consideration in the quality of the universities is teaching methods. This study aimed to Improving the Quality of Accounting Education by Analyzing Teaching Methods, which was conducted using qualitative research methodology and using a strategy based on the grounded theory. In this regard, semi-structured interviews with 21 accounting professors and experts were carried out using purposeful approach and application of theoretical saturation criterion. To obtain the reliability and validity of the data from two participants review method and review of non-participating experts in the research were used. The results of the data analysis were separated into separate concepts through three stages, open coding, axial coding and selective coding with the aid of maxqda2018 software, and 16 general categories were obtained. This paper presents the findings of the study within the paradigm model including: causal conditions (5 categories), pivotal phenomena (improving the quality of accounting education as a general teaching approach), strategies (2 categories), contexts (3 categories), intervening conditions (3 categories) and outcomes (4 categories) analyzed. The findings generally showed that the proper use of the components of teaching methods guarantees learning and improves the quality of teaching and ultimately the quality of accounting education.

Keywords: The quality of accounting education, Teaching Method, Grounded Theory

مقدمه

امروزه دانشگاه‌ها به دلیل نقش اساسی شان در امر آموزش سرمایه انسانی برای تولید و نقد دانش و فناوری جدید، آماده سازی شغلی، پرورش تفکر انتقادی، ارائه راهبردهای تغییر اجتماعی و رویارویی فعال با تحولات جهانی، عامل کلیدی توسعه پایدار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جوامع بشری محسوب می شوند (میر کمالی و نارنجی ثانی، ۱۳۸۷). لذا در عین حال که با دانشگاه‌های مختلف جهان وارد رقابت های بین‌المللی می شوند، به طور فزاینده ای با فشارهای مختلفی نظیر فشارهای بازار کار برای رابطه با صنعت و تقاضای دانشجویان، فشارهای دولت در برابر دریافت بودجه های عمومی، فشارهای استانداردهای حرفه‌ای اعتبارگذاری، فشارهای فناوری برای استفاده از یادگیری برخط و فشارهای علمی برای حفظ موقعیت بین‌المللی در تدریس مواجه هستند (بلک مور، ۲۰۰۹). به این ترتیب، در حالی که آموزش عالی کالایی فناورانه و بین‌المللی می شود، این فشارها بر مباحث کیفیت آموزش به عنوان شاخص تمایز دانشگاه‌ها تمرکز می یابند. در ایران نیز افزایش دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته حسابداری گواه افزایش سرمایه گذاری و صرف منابع مالی بیشتر در این خصوص است. این افزایش تعداد خصوصا در مقطع کارشناسی کاملاً محسوس است و با افزایش کمی، ارزیابی کیفی اهمیت بیشتری می یابد. نظام آموزشی حسابداری، مبتنی بر حفظ کردن مطالب است، و دانشجویان را برای روبرو شدن با دنیای پیچیده کسب و کار که پس از فارغ التحصیلی با آن روبرو می شوند، آماده نمی کند؛ لذا الگوی آموزشی حسابداری نا کارآمد است. برستون اظهار می دارد هر کشوری ویژگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص خودش را دارد و به احتمال بسیار زیاد هدف ها و نیازهای اطلاعاتی مدیران اقتصادی هر کشوری نسبت به کشور دیگر متفاوت است. در نتیجه هر کشوری باید تشویق شود به جای تقلید از ساختارها و مشخصات نظام‌های اطلاعاتی کشور دیگر، سیستم متناسب با نیازهای خود را طراحی و اجرا کند (ثقفی و محمدزاده نوین، ۱۳۷۲: ۸۰). در این خصوص بررسی کیفیت آموزش در حسابداری فوق العاده اهمیت دارد.

به نظر می‌رسد از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در بحث کیفیت دانشگاه‌ها مدنظر قرار گرفته است، روش‌های تدریس است، چرا که تأمین کیفیت در بخش آموزش یک محرک قوی برای ساختن و خلق دانش همراه با فهم زندگی کاری و اصلاح مجدد مفهوم دانش در موقعیت های یادگیری خواهد بود. همچنین، ضرورت توجه به کیفیت تدریس تا حدود زیادی به خصوصیت عصر حاضر یعنی انفجار دانش بر می‌گردد. زیرا از یک طرف، توجه صرف به کمیت در کسب اطلاعات به پایان رسیده و برای ورود به عصر دانایی و روبرو شدن با تحولات شگفت انگیز قرن بیست و یکم، چاره ای جز توجه به کیفیت در آموزش نداریم و از طرف دیگر، متون آموزشی را همه جا می توان یافت، اما راهبردها و شیوه‌های تدریس است که می تواند تضمین کننده یادگیری باشد. به همین دلیل، چگونگی تدریس از محتوای آن اهمیت بالاتری یافته است. بر این اساس، آنچه به کلاس درس و فعالیت های آن روح و هویت می بخشد، توانمندی ها و

قابلیت های اساتید است که عموماً در قالب روش های تدریس نمود و عینیت می یابند (فتوحی آذر، ۱۳۸۲). به این ترتیب می توان کیفیت آموزشی را این گونه تعریف کرد که کیفیت آموزش، به آن دسته از ویژگی های عناصر آموزشی اطلاق می شود که با حداکثر استفاده از استعدادها و توانایی های آن عناصر، می توان نیازها و انتظارات تصریحی و تلویحی فراگیران و دست اندرکاران آموزش را برآورده کرده و رضایت آنان را جلب نمود (صلاحی و شکراللهی، ۱۳۸۴). از این رو، در کشورهای پیشرفته، شاهد تغییرات بی وقفه در روش های تدریس آن ها هستیم.

روش تدریس عبارت از راه منظم، باقاعده و منطقی برای ارائه درس است. روش تدریس، شیوه یا راهی است که مدرس را به هدف درس یعنی یادگیری و آموزش دادن مطالب به شاگردان می رساند (علوی، ۱۳۸۴: ۲۳). روش های تدریس به منزله روشنایی های متفاوتی هستند که هر کدام بردشان تا شعاع خاص را در بر می گیرند. البته باید اذعان نمود که هر یک از روشنایی های فوق در ارتباط با موقعیت های مختلف از کارایی ویژه ای برخوردار هستند، به عبارت دیگر هر یک در جای خویش مثمرتر هستند. (قورچیان، ۱۳۷۹). روش های تدریس به دو دسته کلی قابل تقسیم است. دسته اول، روش های سنتی که در گذشته های دور به کار می رفته اند، مانند روش مکتب خانه ای و روش سقراطی. و دسته دوم، روش های مبتنی بر یافته های روان شناسی، هنر و علم آموزش می باشند که به طور عمده از قرن بیستم به بعد تکوین یافته اند و به روش های جدید شهرت دارند، مانند روش توضیحی، روش اکتشافی، روش حل مسئله، روش بحث در کلاس، روش پرسش و پاسخ، روش فعال، روش پروژه، روش آزمایشی، روش گردش علمی، روش قیاسی و استقرایی، روش یادگیری فردی، آموزش مهارت های فراشناختی و روش تمرین (صفوی، ۱۳۹۵: ۱۱۶). در روش تاریخی تدریس، معلمان اغلب گوینده بوده و از دانش آموزان انتظار دارند که به صحبت های آنان گوش دهند. بحث گروهی جایگاه چندانی در کلاس درس ندارد و اگر سؤال پرسیده شود، موجب وادار کردن دانش آموزان به تفکر مطالب درسی نمی شود، بلکه بیش تر هدف این است که دانش آموزان از این طریق برای امتحان آماده شوند (شکاری، ۱۳۹۱). در این نوع روش تدریس، برنامه درسی غیر قابل انعطاف است و معلم و فراگیر به اجبار از محتوای مشخصی استفاده می کنند. معلم تصور می کند که عامل اصلی تدریس، خود اوست و به عنوان گنجینه معلومات در برابر فراگیران ظاهر می شود. شاید به همین دلیل، به این گونه الگوها و روش ها، روش های معلم محور نیز می گویند. در مقابل، دانش آموزانی که از طریق یادگیری فعال به یادگیری می پردازند، بهتر یاد می گیرند و از تجربه یادگیری لذت بیش تری نیز می برند (کرامتی و حسینی، ۱۳۸۷). در روش نوین تدریس، فراگیر و علایق و توانمندی های او در مرکز توجه قرار دارد و معلم تلاش می کند تا توانایی فراگیران را تقویت کند. معلم هنگام تدریس از وسایل و امکانات آموزشی زیادی استفاده می کند و یادگیری مؤثر را از طریق تمرین ها و فعالیت های متنوع به عهده فراگیران می گذارد و آنان را در تحقق اهداف و یادگیری مفاهیم درس دخالت می دهد. معلم، راهنما و هدایت کننده ای است که پا به

پای فراگیر مسیر آموزشی را طی می‌کند و به او کمک می‌کند تا درس را به طور عمیق و از روی علاقه یاد بگیرد (صفوی، ۱۳۹۵). استفاده از روش‌های نوین تدریس حسابداری مبتنی بر نیازهای بازار و اشراف به روانشناسی یادگیری و اصول و فنون تدریس متناسب با نسل جدید، می‌تواند به موفقیت حسابداری و ارتقای جایگاه آن کمک کند. بدیهی است که هیچ یک از روش‌های تدریس بر دیگری برتری نداشته و فقط می‌توان گفت که هر شیوه‌ی تدریس، خصوصیتی را واجد است که آن را برای رسیدن به هدف آموزشی خاصی مناسب می‌سازد. به علاوه، در گزینش روش تدریس عواملی چون ویژگی‌های دانشجویان، شخصیت استاد، امکانات و منابع موجود، تعداد دانشجویان کلاس، زمان کافی و هدف‌های آموزشی نقشی اساسی ایفا می‌کنند (سقط چیان، ۱۳۷۰: ۱۱). در عصر حاضر که تکنولوژی با سرعت سرسام‌آوری پیش می‌رود، جامعه ما بیش از هر زمان دیگری نیازمند افرادی هوشمند، خلاق و نوآور است. یکی از وظایف نظام آموزشی، پرورش افرادی است که دارای اندیشه انتقادی و خلاق هستند و توانایی حل مساله و رفع معضلات را داشته باشند، نه اینکه حافظه آنها فقط محلی برای انباشت اطلاعات و دانش‌هایی باشد که به سرعت منسوخ خواهند شد. سال‌هاست که ارایه دروس نظری به دانشجویان به شیوه سنتی سخنرانی ادامه دارد و هر دو گروه اساتید و فراگیران از کم بازدهی و کسل‌کنندگی کلاس‌ها ناراضی هستند. بدین ترتیب لازم است مدرسان دانشگاه‌ها برای تدریس، روش‌هایی را بکار ببرند که ممکن است با روش‌هایی که خود آنها آموزش دیده‌اند، بسیار متفاوت باشد (لیاقت دار و همکاران، ۱۳۸۳). با وجود پیدایش روش‌های نوین در حوزه تدریس هنوز اکثر اساتید بیش از ۶۰ درصد وقت کلاس را به سخنرانی می‌پردازند. یعنی آموزش کنونی حسابداری، انتقال مطالب از مواد درسی مدرسین به دفاتر دانشجویان است (کاظم پور و همکاران، ۱۳۹۱). اسلاقتر (۲۰۱۱) بیان می‌کند استراتژی‌های تدریس و یادگیری باز و نامحدود به مقابله با انضباط سنتی آموزش بر می‌خیزند. چنان‌که تونگا و هندرسون (۲۰۱۷) گزارش دادند که اساتید در حین تدریس باید با دانشجویان خود ارتباط مؤثری برقرار کنند که این امر می‌تواند دیدگاه دانشجویان به تدریس را تغییر دهد و به نوبه خود موجب افزایش عملکرد دانشجویان می‌شود.

در بیشتر کشورهای پیشرفته جهان استفاده از روش‌های تدریس جدید در حسابداری آغاز شده است. با استفاده از روش‌های تدریس تعاملی در کلاس درس، امید است که یک دانشجو با اعتماد به نفس و تفکر انتقادی، به طور کامل اصطلاحات و اصول حسابداری را درک کند (رالوکا، ۲۰۱۶). کمیسیون تغییر آموزش حسابداری^۱ (آمریکا) در بیانیه شماره یک خود (۱۹۹۰) تحت عنوان "هدف‌های آموزشی حسابداران" آورده است: "فراگیران باید در فرایند یادگیری مشارکت فعال داشته باشند و نباید صرفاً دریافت‌کنندگان غیر فعال اطلاعات باشند" (عظیمی، ۱۳۸۵). همچنین این کمیسیون، استادان را نسبت به طراحی مجدد برنامه‌های درسی برای تسهیل در ایجاد و پرورش توانایی‌های ارتباطی و تفکر انتقادی

تشویق می کند (جلیلی، ۱۳۸۵) و پیشنهاد می کند که به دانشجویان به جای حفظ قوانین، چگونه آموختن (یادگیری) را بیاموزیم (بوید، بوید و بوید، ۲۰۰۰). از اولین کوشش‌ها برای بازنگری آموزش حسابداری بیانیه‌های انجمن حسابداری آمریکا^۱ است. این انجمن در سال ۱۹۸۶، بیست و یک توصیه را در زمینه ساختار آینده، محتوا و محدوده آموزش حسابداری ارائه کرد. در این میان دو توصیه اساسی زیر در ارتباط با فرایند تدریس حسابداری ارائه شده است (اوربانسیک، ۲۰۰۹):

۱- روش تدریس حسابداری توسط مربیان، باید بر ایجاد و ارائه اطلاعاتی جهت تصمیم‌گیری‌های اقتصادی متمرکز باشد، و

۲- یادگیری برای یادگیری دانشجویان (یادگیری فعال)، باید به عنوان هدف اولیه کلاس‌های درسی رشته حسابداری تعریف شود (باغومیان و رحیمی باغی، ۱۳۹۱).

در آمریکا کمیته بدفورد (۱۹۸۶) طی مطالعاتی که انجام داد به این نتیجه دست یافت که حسابداری در حال تبدیل شدن به یک حرفه وسیع اطلاعاتی است که به طور فزاینده‌ای از فنون اندازه‌گیری و پیچیده، مفاهیم تحلیلی غامض و فنون ارتباطی جدید برای بهبود اطلاعات ارائه شده جهت تصمیمات اقتصادی و اجتماعی گسترده استفاده می‌کند. به گزارش بدفورد و شینکر (۱۹۸۷)، تدریس حسابداری اساساً تغییری نکرده و به همین دلیل انتقادات گسترده‌ای وجود دارد که فارغ‌التحصیلان حسابداری نمی‌توانند با نیازهای بوجود آمده در بازار ارتباط برقرار کنند. این کمیته در ادامه بیان کرد که، فاصله موجود بین آنچه حسابداران بکار می‌برند و آنچه اساتید دانشگاه تدریس می‌کنند، در حال افزایش است.

علاوه بر استاندارد‌ها و بیانیه‌های مجامع حرفه‌ای، متخصصان بسیاری درباره لزوم بازنگری در روش‌های تدریس حسابداری سخن گفته‌اند و معتقدند این بازنگری به منظور تطبیق با تغییرات فناوری و جهانی‌سازی ضروری است. به عنوان مثال کینی (۲۰۰۱) معتقد است که افزایش الزامات آموزشی حسابداری، لزوماً موجب بهتر شدن دانش و مهارت حسابداری نمی‌گردد، زیرا افزایش حجم یک دانش، لزوماً موجب بهتر شدن کیفیت آن نمی‌گردد. وی بیان می‌دارد که تحصیلات حسابداری به جای اینکه بر دانش جزئی مقررات تمرکز نماید، باید بر انتقال درکی از فرایند حسابداری و چگونگی توسعه این مقررات تمرکز و تاکید داشته باشد (خواجهی، ۱۳۹۰). رابطه معناداری بین ارزیابی کیفیت تدریس و ارزیابی مواد آموزشی الکترونیکی اثبات شده است و اکثر مزایای حاصل از پیاده‌سازی نوآوری منجر به افزایش بهره‌وری شده است، یعنی با صرفه‌جویی در وقت، منابع مالی یا محیط کاربری را بیشتر لذت بخش ساخته است (هروسکا، ۲۰۱۸). در محیط جدید حسابداری استفاده از رویکرد مفهوم محور برای آموزش حسابداری در مقابل آموزش قاعده محور اولویت دارد و باید چرخشی اساسی در آموزش حسابداری رخ دهد (کارمونا و ترامبتا، ۲۰۱۰). (سوداگران، ۱۹۹۶) و (اسپرینگر و بورسلیک، ۲۰۰۴) نیز بیان می‌کنند روش‌های سنتی تدریس با تشویق دانشجویان به سمت حفظ مطالب، آن‌ها را از یادگیری

1- American Accounting Association (AAA)

مهارت تفکر انتقادی باز می‌دارد. لذا استفاده از مدل دانشجو محوری به جای استاد محوری جهت آموزش اصول حسابداری پیشنهاد شده است و اعتقاد بر آن است این روش منجر به درک بهتر مفاهیم حسابداری توسط دانشجویان می‌شود (وارسنو و همکاران، ۲۰۰۹). همچنین سولیوان (۱۹۹۶) اظهار می‌دارد که روش تدریس یادگیری مشارکتی دستیابی به بسیاری از هدف‌های انجمن حسابداری آمریکا را میسر می‌سازد و به وضوح، مهارت‌های حل مساله و تفکر انتقادی را افزایش داده و انجام موفقیت آمیز کارها را با همکاری اعضای گروه تسهیل می‌کند.

هماهنگی مناسبی بین سبک‌های یادگیری و روش تدریس اساتید وجود ندارد که این خود می‌تواند تأثیر نامطلوبی بر محیط‌های آموزشی و کارایی دانشجویان داشته باشد (ساجدی، ۱۳۹۳). معلمان اطلاعات محدودی از روش‌های فعال تدریس دارند. روش تدریس بر پایه سخنرانی از طرف معلمان و گوش دادن و یادداشت برداشتن و حفظ کردن برای دانشجویان موجبات خستگی و نارضایتی را فراهم آورده است و ادامه چنین وضعیتی نمی‌تواند دوام داشته باشد (راسخی، ۱۳۹۷: ۱۷۴). توسعه اقتصادی، تقاضای نیروی کار را از حسابداران و حساب‌برسان ابتدایی به سمت افرادی که می‌دانند چگونه از اطلاعات حسابداری استفاده کنند و چگونه اطلاعات را برای استفاده کنندگان تولید، کنترل و تهیه نمایند، سوق می‌دهد (خواجوی و منصور، ۱۳۹۰). البریج و سک (۲۰۰۲) بر این نکته تأکید می‌کنند که به دلیل عدم انطباق مهارت دانش‌آموختگان با خواسته‌های بازار نیاز است در رئوس دروس ارائه شده و روش‌های تدریس تجدید نظر اساسی صورت گیرد. عدم انطباق دانش‌آموختگان با خواسته‌های ذی‌نفعان به کیفیت آموزش حسابداری مربوط می‌شود. به دلیل تفاوت ماهوی رشته‌ها با یکدیگر و تفاوت در سطح کاربردی بودن آن‌ها در جامعه، تعیین روش‌های تدریس یگانه برای همه رشته‌ها نمی‌تواند چندان سودمند باشد، از این رو شناسایی روش‌های تدریس کارآمد که موجب بهبود کیفیت آموزش در هر رشته و از جمله رشته حسابداری شوند، بسیار حائز اهمیت است.

نتایج تحقیقات و نظریه‌های جدید و پیشرفته یادگیری تأکید زیادی بر مشارکت دانشجویان در حین تدریس و فعال بودن آن‌ها دارد. در این صورت است که یادگیری در همه ابعاد ذهنی، عاطفی و روانی-حرکتی فرد اتفاق می‌افتد و دانشجویان مسئله را در گروه کشف می‌کنند و از کشف آن لذت می‌برند و اصولاً یادگیری در اثر تعامل و در گروه حاصل می‌شود. روش‌های سنتی به طور کلی روش‌های کهنه و منسوخ نیستند و از طرفی روش‌های جدید نیز کاملاً مطلوب و معمول نمی‌باشند و اصولاً روش‌های قدیمی را در آموزش‌های امروز، از لحاظ روش اجرا نمی‌توان به طور کلی مطرود دانست (مجیدیانی، ۱۳۸۸). با توجه به موارد فوق، لزوم تجدید نظر در روش‌های تدریس سنتی و توجه بیشتر به روش‌های فعال تدریس از سوی مراکز آموزشی ضرورت پیدا می‌کند.

تحقیقات متعددی در سنوات اخیر، در حوزه علل ناکارآمدی آموزش‌های دانشگاهی حسابداری، انجام شده است. اما موضوع کیفیت در آموزش حسابداری کم‌تر مورد بحث قرار گرفته است. همچنین، تحقیقات

اندکی وجود دارد که به شناسایی و تحلیل روش‌های تدریس در حوزه حسابداری، پرداخته باشند. همچنین تحقیقی وجود ندارد که دیدگاه اساتید و خبرگان را به صورت مشخص، نسبت به روش‌های تدریس حسابداری، بررسی کرده باشند.

هروسکا (۲۰۱۸) روش‌های کارآمد دستیابی به تدریس حسابداری با کیفیت بالا را بررسی نمود. نتایج نشان دادند که دانشجویان تدریس حسابداری را به عنوان بالاتر از حد متوسط ارزیابی کردند؛ همبستگی آماری معناداری بین ارزیابی کیفیت تدریس و ارزیابی مواد آموزشی الکترونیکی اثبات شده است و اکثر مزایای حاصل از پیاده سازی نوآوری منجر به افزایش بهره وری شده است، یعنی با صرفه جویی در وقت، منابع مالی یا محیط کاربری را بیشتر لذت بخش ساخت.

الهمبری (۲۰۱۷) تاثیر روش‌های تدریس بر کیفیت آموزش حسابداری مطابق با استانداردهای آموزش بین المللی و نیازهای کشوری را بررسی نمود. نتایج نشان دادند که همبستگی قابل توجهی بین آموزش مشارکتی و تمام دوره های آموزشی وجود دارد. علاوه بر این بین یادگیری مبتنی بر حل مسئله و دوره های حسابداری مالی، حسابداری بهای تمام شده و حسابداری مدیریت رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل همبستگی، وجود ارتباط معنادار بین یادگیری مشارکتی و دو مهارت بین فردی را تایید می کند. یادگیری مبتنی بر حل مسئله بیشترین ارتباط را با "مهارت‌های فردی و مسئولیت" و همبستگی معناداری با چهار مهارت داشت. به استثنای یادگیری مشارکتی - می توان گفت که بین روش‌های تدریس و مهارت‌های شناختی رابطه معنی داری وجود ندارد.

ژیانگ (۲۰۱۶) بهبود کیفیت یادگیری در حسابداری از طریق مشاوره و تجربه های آموزشی دانشجویان قبلی را بررسی نمود. نتایج نشان دادند که دانشجویانی که از توصیه های دانشجویان قبلی استفاده میکردند، کلاس های کمتری را از دست می دادند. (کمتر غیبت می کردند). همچنین توصیه های دانشجویان سابق تاثیر مثبتی بر عملکرد دانشجویان دارد.

رالوکا (۲۰۱۶) استفاده از روش‌های تعاملی در تدریس حسابداری را بررسی نمود. نتایج نشان دادند که با استفاده از روش‌های آموزش تعاملی در کلاس درس، امید است که یک دانشجو با اعتماد به نفس و تفکر انتقادی، به طور کامل اصطلاحات و اصول حسابداری را درک کند.

هوک و ایزنبرگ (۲۰۱۲) در تحقیق خود تأثیر روش‌های تدریس را بر کیفیت و آموزش مباحث حسابداری مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها در تحقیق خود سه روش تدریس شامل: تدریس یک موضوع خاص صرفاً توسط یک استاد، تدریس یک موضوع خاص به صورت همزمان توسط دو استاد و تدریس بخشی از یک موضوع توسط یک استاد و بخشی از آن توسط استاد دیگر را مورد بررسی قرار دادند. نتایج یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است روش اول موجب ارتباط بهتر استاد با دانشجو و در نتیجه موجب افزایش کارایی و اثربخشی یادگیری دانشجویان می شود.

راسخی (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی رابطه روش‌های فعال تدریس و وسایل آموزشی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پرداخت. نتایج نشان داد که ۷۷ درصد دانش آموزان استفاده از وسایل کمک آموزشی را بر پیشرفت تحصیلی مؤثر دانسته اند و همچنین ۹۴ درصد معلمان استفاده از وسایل کمک آموزشی را در افزایش یادگیری دانش آموزان مؤثر دانسته اند.

کشاوری، یارمحمدیان و نادری (۱۳۹۶) طی تحقیقی در رابطه با طراحی الگوی روش‌های تدریس مبتنی بر توسعه آینده پژوهی در آموزش عالی ایران، عنوان کردند که نتایج تحلیل داده‌ها، حاکی از ۱۵ مقوله کلی است که در چارچوب مدل پارادایمی شامل: موانع، استراتژی‌ها و پیامدها تحلیل شده است. آتشی گلستانی و فیلسرائی (۱۳۹۲) در تحقیقی به مقایسه تأثیر روش‌های تدریس بحث گروهی و سمینار دانشجویی بر سطح یادگیری دانشجویان در درس حسابداری دو پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که بیشتر بودن میانگین نمره نهایی دانشجویان در کلاسی که به روش سمینار دانشجویی تدریس شده است، معنی دار نیست. اما استفاده از روش تدریس بحث گروهی باعث افزایش معنی دار نمره فعالیت کلاسی و درصد موفقیت دانشجویان شده است.

نصیری (۱۳۹۱) در تحقیقی تحت عنوان "آموزش حسابداری در هزارتوی روش‌های تدریس" به منظور جستجو و ارائه شیوه مناسب برای تدریس در حسابداری، با مرور روش‌های تدریس و فناوری آموزشی موجود در تدریس حسابداری نسبت به وضع مطلوب، لزوم تغییر در روش‌های تدریس و فناوری آموزشی و جلب توجه مدرسین حسابداری به هوش‌های چندگانه و استفاده مفید از آن‌ها در آموزش حسابداری را توصیه نموده است و لزوم انجام تحقیقات مدون در باب روش‌های تدریس در حسابداری مخصوصاً از نوع شبه آزمایشی، هم‌اندیشی مدرسین حسابداری برای در اختیار قرار دادن تجربه‌های تدریس به همتایان خود و برگزاری دوره‌های آموزشی تفصیلی روش‌های تدریس توسط متخصصین روانشناسی آموزشی برای مدرسین حسابداری را بیان می‌نماید.

رفیعی و صفرزاده (۱۳۹۰) به لزوم تغییر روش‌های تدریس در حسابداری مدیریت پرداخته و ضمن برشماری روش‌های مختلف تدریس روش تدریس سخنرانی را مذموم دانسته و مدرسین را به سوی روش‌های تدریس مشارکتی رهنمون می‌سازد. البته در این پژوهش ارزیابی دانشجویان در وضع کنونی تنها محدود به ارزیابی محفوظات ذکر شده و بر این مورد نیز انتقاد وارد می‌آورد.

رهنمای رودپشتی، وکیلی فرد و رئیس زاده (۱۳۸۹) طی تحقیقی به بررسی و تعیین دیدگاه‌های دانشجویان، اساتید دانشگاه و شاغلین در حرفه نسبت به اولویت‌های گرایش‌های تخصصی حسابداری، محتوای دروس تخصصی، میزان واحد‌های دروس تخصصی و مؤثرترین روش تدریس حسابداری به منظور تدوین چارچوبی برای برنامه‌ریزی رشته حسابداری در مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری با استفاده از روش آماری تحلیل عاملی با کمک داده‌های فازی پرداختند. نتایج تحقیق ایشان نشان می‌داد که بین دیدگاه‌های طیف جامعه آماری نسبت به پنج مؤلفه مورد بررسی فوق‌الذکر تفاوت

معنی داری وجود داشته و در حالی که مدرسین حسابداری به حسابداری مالی و دانشجویان مقاطع تکمیلی به حسابداری مدیریت بیشتر بها می دادند، شاغلین حرفه، پرداختن به مباحث حسابداری را اولویت مباحث آموزشی در راستای تامین نیازهای جامعه مالی ایران عنوان کرده اند.

مشایخی و نوروش (۱۳۸۴) به تعیین نیازها و اولویت های آموزشی در حوزه حسابداری مدیریت و بررسی فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در این حوزه فعالیت حسابداری پرداختند و یافته های تحقیق ایشان نشان می داد که شاغلین حرفه در مورد روش های مورد استفاده در سازمان، بیشتر از روش های سنتی حسابداری مدیریت استفاده کرده و در مورد مهارت های مورد نیاز برای فارغ التحصیلان جدید حسابداری که وارد مشاغل حسابداری مدیریت می شوند از دیدگاه هر دو گروه مورد مطالعه، مهارت های حل مسئله را بالاترین اولویت بیان داشته اند.

حال، با توجه به تحقیقات اندک در مورد روش های تدریس در حوزه حسابداری، پژوهش حاضر، با هدف بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش های تدریس انجام شده و از طریق تئوری کردن نظرات نخبگان و اساتید تلاش شده است تا موانع، راهکارهای مناسب و پیامدهای تدوین روش های تدریس جهت بهبود کیفیت آموزش حسابداری شناسایی و ارائه گردد، که در جای خود، کار جدیدی بوده و نیاز به حمایت دارد. همچنین نکته نوآورانه پژوهش، در ارائه مدلی برای بهبود کیفیت آموزش حسابداری است که با توجه به اهمیت کیفیت آموزش حسابداری، بهبود آن از طریق تحلیل روش های تدریس، می تواند رهنمود های معنی داری را برای استادان و مدرسین حسابداری داشته باشد و باعث ارتقای میزان دانش، بینش و مهارت و یا تغییرات رفتاری مطلوب دانشجویان شود. نتایج این پژوهش باعث بکارگیری روش های تدریس متناسب با بهبود کیفیت آموزش حسابداری می شود. سؤالات پژوهش عبارتند از:

پرسش اصلی: مدل مناسب بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش های تدریس چیست؟
 پرسش فرعی: مقوله اصلی، شرایط علی، زمینه، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدهای بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش های تدریس چیست؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که با استفاده از رویکرد نظریه داده بنیاد^۱، مدل مفهومی بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش های تدریس ارائه شد. رویکرد نظریه داده بنیاد یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه های گوناگون امکان می دهد تا به جای اتکا به نظریه های موجود و از پیش تدوین شده خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام کنند. این نظریه ها و گزاره ها به صورت نظام مند و براساس داده های واقعی تدوین می شود (کوبین و اشتراوس، ۲۰۱۴) و

(اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۰). در واقع رویکرد نظریه داده بنیاد روشی است برای کسب شناخت پیرامون موضوع مورد مطالعه و موضوع یا موضوعاتی که پیش از این در مورد آنها پژوهش جامع و عمده ای انجام نشده است و دانش کنونی در آن زمینه محدود است (رضوی و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۵۹). محیط پژوهش شامل اساتید و مدرسین رشته حسابداری است که دارای مدرک تحصیلی دکتری و سابقه تدریس بیش از ۱۰ سال بودند. به منظور انتخاب مشارکت کنندگان از نمونه گیری نظری^۱ به شیوه هدفمند استفاده شد، هدف پژوهشگر انتخاب مواردی بود که با توجه به هدف پژوهش سرشار از داده بوده و پژوهشگر را در شکل دادن مدل نظری خود یاری دهند و این کار تا جایی ادامه یافت که طبقه بندی مربوط به داده‌های اشباع و نظریه مورد نظر با تمام جزئیات و با دقت تشریح شد. جهت گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۲ استفاده شد. داده‌های جمع آوری شده در طول فرآیند مصاحبه به وسیله فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی به دست آمده و تحلیل شده است و با استفاده از نرم افزار حرفه‌ای مکس کیو دی ای^۳ ۲۰۱۸، داده‌های کیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. مصاحبه فردی با اساتید حسابداری تا زمان اشباع داده‌ها که مصاحبه با ۲۱ نفر بود، ادامه یافت. زمان هر مصاحبه بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه بود. جهت بررسی روایی و پایایی داده‌ها از دو روش بازبینی به وسیله مشارکت کنندگان و مرور به وسیله خبرگان غیر شرکت کننده در پژوهش استفاده و پس از دریافت نظرات اصلاحی ویرایش لازم انجام و مدل نهایی ارائه شد.

یافته‌های پژوهش:

رویه تحلیل داده‌ها با روش شناسی نظریه داده بنیاد مبتنی بر تحلیل متون حاصل از مصاحبه‌ها، کدگذاری باز (خلق مفاهیم و مقوله‌ها)، کدگذاری محوری (شناسایی مقوله محوری، شرایط علی، شرایط مداخله گر، زمینه، راهبردها و پیامدها) و کدگذاری انتخابی (خلق نظریه) و توسعه مدل مفهومی است.

کدگذاری باز^۴: کدگذاری باز جزئی از تحلیل است که با تحلیل دقیق داده‌ها، نام گذاری و طبقه بندی کردن داده‌ها انجام می شود.

کدگذاری محوری^۵: کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیر مقوله‌های آن‌ها را با توجه به مشخصه‌ها و ابعاد آن‌ها به یکدیگر مرتبط می سازد.

1- Theoretical Sampling
2- Semi Structured Interview
3- Maxqda2018
4- Open Coding
5- Axial Coding

کدگذاری انتخابی^۱: کدگذاری انتخابی نتایج گام های قبلی کدگذاری را به کار برده، مقوله اصلی را انتخاب می کند و آن را به شکلی نظام مند^۲ به سایر مقوله ها ارتباط داده، ارتباطات را اعتبار می بخشد و مقوله هایی که نیاز به تصفیه و توسعه بیشتر دارند را توسعه می دهد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۹۸).

پرسش اصلی پژوهش این بود که مدل مناسب در تدوین روش های تدریس مبتنی بر بهبود کیفیت آموزش حسابداری دارای چه ویژگی هایی است؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا لازم بود که به پرسش فرعی: عوامل و شاخص های اصلی در تدوین روش های تدریس مبتنی بر بهبود کیفیت آموزش حسابداری کدامند؟ پاسخ داده شود، برای پاسخ به این پرسش مصاحبه های نیمه ساختاریافته ای انجام گرفت، در طول مصاحبه، شرکت کنندگان به پرسش هایی همچون: موانع موجود در تدوین روش های تدریس، راهبردهای تدوین روش های تدریس، پیامدهای حاصل از طراحی روش های تدریس، عوامل موثر در تداوم و اثربخشی روش های تدریس، راهکارهای ترغیب اساتید به استفاده از روش های نوین تدریس، تلقی و برداشت اساتید از بهبود کیفیت آموزش حسابداری و معیارهای انتخاب روش های تدریس و ... پاسخ دادند.

مصاحبه ها پس از پیاده سازی، به صورت سطر به سطر بررسی، مفهوم پردازی، مقوله بندی شدند و سپس، بر اساس مشابهت، ارتباط مفهومی و ویژگی های مشترک بین کدهای باز، مفاهیم و مقولات (طبقه ای از مفاهیم) مشخص گردیدند. در این پژوهش، داده ها به دقت مورد بررسی قرار گرفته و مقوله های اصلی و فرعی مربوط به آن ها مشخص شدند، ابعاد و ویژگی ها تعیین و الگوها مورد بررسی قرار گرفت و در واقع پاسخ های ارائه شده به وسیله مصاحبه شوندگان به واحدهای کوچک تری تجزیه و در فرایند مکرر با یکدیگر مقایسه و با توجه به موردهای مشترک کاربریشان، مفاهیم لازم ایجاد گردیدند. برای این کار روش های تحلیل محتوای^۳ پیشنهاد شده توسط اشتراس و کوربین (۲۰۰۸) مورد استفاده قرار گرفت. هنگام تجزیه و تحلیل دقیق داده ها، مفاهیم از راه کدگذاری، به گونه مستقیم از رونوشت مصاحبه مشارکت کنندگان در پژوهش (کدهای زنده) یا با توجه به موارد مشترک کاربرد آن ها، ایجاد شدند. رونوشت مصاحبه ها برای یافتن مقوله های اصلی، مقوله ها، ویژگی ها و ابعاد این مقولات به گونه منظم مورد بررسی قرار گرفتند. نخست پاسخ های ارائه شده به وسیله مصاحبه شوندگان به واحدهایی کوچک تر تجزیه شد، این کار پس از بررسی رونوشت مصاحبه ها در سطح جمله یا پارگراف انجام گرفت. سپس مفاهیم در چارچوب مقوله های بزرگ تر قرار گرفتند و پس از این مرحله سعی شد که مقوله ها نیز در چارچوب دسته های مفهومی بزرگ تری طبقه بندی شوند. با توجه به اینکه کدهای باز فراوانی به دست آمد پس از هر مرحله، طبقه بندی و بررسی دوباره داده ها، مفاهیم تکراری حذف و مفاهیم مشابه در هم ادغام شدند. این کار تا چندین مرتبه برای رسیدن به اشباع منطقی برای مقوله های اصلی، مقوله

1- Selective Coding

2- Systematic

3- Content Analysis

ها و ویژگی‌های آن‌ها به صورت تکراری انجام شد، حدود هر مقوله اصلی و مقوله‌ها در آغاز تجزیه و تحلیل به صورت قطعی تعیین نشد و این مقوله‌ها در سراسر تجزیه و تحلیل مورد تجدید نظر قرار گرفتند. با توجه به تجزیه و تحلیل و کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده، ۱۸ مقوله فرعی و ۱۸۶ کد باز، از فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها به دست آمد. بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و مدل پارادایمی شکل گرفت. نهایتاً مقوله‌های آشکارشده در قالب ابعاد ۶ گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد، به صورت شرایط علی (۵ مقوله)، مقوله اصلی (بهبود کیفیت آموزش حسابداری به عنوان یک رویکرد کلی در تدریس)، راهبردها (۲ مقوله)، زمینه (۳ مقوله)، شرایط مداخله گر (۳ مقوله) و پیامدها (۴ مقوله)، جای گرفتند.

بحث در مورد مؤلفه‌های پارادایم کدگذاری محوری و تبیین مؤلفه‌های مدل کیفی

پژوهش

شرایط علی

شرایط علی به شرایطی گفته می‌شود که عامل اصلی به وجود آورنده پدیده مورد مطالعه (بهبود کیفیت آموزش حسابداری به عنوان یک رویکرد کلی در تدریس) باشد (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). نتایج تحلیل محتوای پاسخ مصاحبه شونده‌ها، حاکی از وجود پنج مقوله اصلی در خصوص شرایط علی برای ایجاد پدیده مورد مطالعه است که کدهای باز مربوط به آن‌ها به شرح جدول ۱ است.

جدول ۱. کدهای باز و مقوله‌های مربوط به شرایط علی

Table 1.

Open codes and categories related to causal conditions

Open codes	کدهای باز	مقوله‌ها	categories
به روز بودن کتاب‌ها و مطلوب بودن منابع ترجمه شده	Up-to-date books and translatable resources	کیفیت برنامه درسی و منابع	
تفکیک واحدهای درسی به نظری و عملی و بازنگری در سرفصل دروس دانشگاهی	Theoretical, Practical separation, and Review Courses in Academic Course Outline	مورد استفاده	
تغییرات پویا در برنامه ریزی و داشتن طرح درس مناسب	Dynamic changes in planning and having the right lesson plan	Curriculum quality and resources used	
زیرساخت‌ها و امکانات سخت افزاری و نرم افزاری	Infrastructure and hardware and software facilities		
اثر فناوری اطلاعات و استفاده از آن	The effect of information technology and its use	امکانات و تجهیزات آموزشی	شرایط علی
دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی و مجلات	Access to databases and magazines	Training facilities	Causal conditions

استاد با تجربه و توانمند		
Experienced and capable master		
استفاده اساتید از تکنولوژی جدید		
Teachers use new technology		
تسلط، درک و پیاده سازی استانداردهای حسابداری		
Mastering, understanding and implementing accounting standards		
آگاهی و شناخت کافی اساتید از روش‌های تدریس		ویژگی های شخصیتی و علمی استاد
Sufficient knowledge and understanding of teaching methods		Master personality and scientific characteristics
تمرکز استاد بر بحث آموزش و تدریس		
Master's focus on education and teaching		
آشنایی با اصول و مبانی حسابداری و اشراف استاد به نحوه انتقال مطالب		
Understand the principles and principles of accounting and aristocracy how to transfer content		
انگیزه و گذاشتن وقت کافی برای تدریس		
Motivate and spend enough time teaching		
استفاده از روش‌های تدریس متفاوت		
Using different teaching methods		
توجه همزمان به جنبه های کاربردی و نظری رشته حسابداری	رویکرد اساتید در استفاده از روش‌های تدریس	
Concurrent attention to the practical and theoretical aspects of accounting	Teachers' approach to teaching methods	
توجه به سطح علمی دانشجوی		شرایط علی
Pay Attention to the scientific level of the student		Causal conditions
توجه به جنبه روان شناختی دانشجو		
Pay attention to the psychological aspect of the student		
توجه به هوش و تجربه های علمی دانشجو	ویژگی ها، نیازها و علایق دانشجویان	
Pay Attention to the student's intelligence and scientific experience	Student characteristics, needs and interests	
توجه به مقاطع تحصیلی دانشجویان		
Pay attention to students' Degree		
توجه به گرایش دانشجویان در مقاطع مختلف		
Pay attention to the tendency of students at different levels		

پدیده محوری

حادثه یا اتفاق اصلی است که یک سلسله کنش‌ها/کنش‌های متقابل برای کنترل یا اداره کردن آن وجود دارد و به آن مربوط می‌شود. (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). پدیده محوری مورد مطالعه در این پژوهش بهبود کیفیت آموزش حسابداری به عنوان یک رویکرد کلی در تدریس است که مشخصات مربوط به آن در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. کدهای باز و مقولات مربوط به پدیده محوری

Table 2.

Open codes and categories related to the pivotal phenomenon

کدهای باز	مقوله‌ها	
Open codes	categories	
کاهش فاصله بین انتظارات حرفه و آموزش دانشگاهی و نزدیک کردن دانش و مهارت نظری با محیط کار		
Reducing the gap between professional expectations and academic education and bringing theoretical knowledge and skills closer to the workplace		
اعتلای سیستم آموزشی و به روز رسانی کیفیت آموزش در جهت تطابق با نیازهای حرفه	بهبود کیفیت آموزش	پدیده محوری pivotal phenomenon
Promoting the education system and updating the quality of education to suit the needs of the profession	حسابداری به عنوان یک رویکرد کلی در تدریس	
ارتقای کیفیت آموزش از طریق بهبود کیفیت روش‌های تدریس	Improving the quality of accounting education as a general approach to teaching	
Improving the quality of education by improving the quality of teaching methods		
پشتیبانی سیستم آموزشی از دانشجویان برای یادگیری مهارت‌ها		
Support students' learning system for learning skills		
ارتقای کیفیت آموزش در جهت تطابق با تغییرات تکنولوژی		
Improving the quality of education to adapt to technological change		

شرایط زمینه‌ای

نشان دهنده یک سری خصوصیات ویژه است که به پدیده ای دلالت می کند؛ به عبارتی، محل حوادث یا وقایع مرتبط با پدیده ای در طول یک بعد است که در آن کنش متقابل برای کنترل، اداره و پاسخ به پدیده صورت می گیرد (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). شرایط مذکور به شرح جدول ۳ است.

جدول ۳. کدهای باز و مقولات مربوط به شرایط زمینه ای

Table 3.

Open codes and Background conditions categories

کدهای باز	مقوله ها	
Open codes	categories	
فعال کردن و مشارکت دانشجویان در فرایند تدریس		
Activate and engage students in the teaching process		
فرصت دادن به دانشجو برای بروز استعداد و توانایی	مشارکت دانشجویان در فرایند	
Empowering students to showcase their talents and abilities	یادگیری	
انگیزش دانشجو و ایجاد فضای ترغیب کننده یادگیری	Student participation in the learning process	
Student motivation and creating a stimulating learning environment		
ایجاد انگیزه و آمادگی برای تفکر در دانشجو	توجه دانشجویان به شیوه تفکر	شرایط زمینه ای
Motivate and prepare students for thinking	منطقی در فرایند یادگیری	Background conditions
رسیدن به شناخت صحیح و ایجاد راهکار با تفکر	Students' attention to logical thinking in learning process	
Reaching the right understanding and creating a solution with thought		
انجام پژوهش های کاربردی برای ارزیابی روش های تدریس	ضرورت تفکر و مطالعه در مورد	
Conduct applied research to evaluate teaching methods	بهبود روش های تدریس	
انجام تحقیق های بین رشته ای و استفاده از تجربیات سایر کشورها	Necessity of thinking and studying about improving teaching methods	
Interdisciplinary research and use of experiences from other countries		

شرایط مداخله گر:

شرایط مداخله گر کلی و وسیع هستند که بر چگونگی کنش/کنش متقابل اثر می‌گذارند (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). در پژوهش حاضر و بر اساس تحلیل محتوای مصاحبه‌ها شرایط مداخله گر به شرح جدول ۴ شناسایی شد.

جدول ۴. کدهای باز و مقولات مربوط به شرایط مداخله گر

Table 4.

Open code and categories related Interfering conditions	
کدهای باز Open code	مقوله‌ها categories
همکاری و هماهنگی بین اساتید گروه و ارزیابی کیفی درون گروهی Collaboration and coordination between faculty members and in-group quality assessment	
استفاده از دستیارهای آموزشی در کلاس درس Using teaching assistants in the classroom	
اصلاح آیین نامه ارتقا و ایجاد انگیزه برای ارتقای اساتید Improvement of the by-laws and promotion of professors	توانمندسازی و ارتقای اساتید Empowerment and promotion of professors
برگزاری کارگاه‌های روش تدریس به صورت مداوم Conducting continuous teaching workshops	
برگزاری کلاس‌های مشترک با حضور حسابداران حرفه‌ای و آکادمیک Holding joint classes with professional and academic accountants	
اصلاح ارزشیابی دانشجویان و داشتن معیار مناسب Improving student evaluation and having the right criteria	
بازخورد‌های سازنده و منظم و به موقع به دانشجویان Constructive and timely feedback to students	ارزشیابی مؤثر و به هنگام دانشجویان Effective and timely evaluation of students
ارزیابی بیرونی و حرفه از فارغ التحصیلان External and professional evaluation of graduates	
انجام آزمون‌ها و ارزشیابی مستمر Conducting tests and continuous evaluation	
تعریف نیازها توسط حرفه و عمل کردن دانشگاه بر اساس نیاز بازار Defining needs by professions and acting according to market needs	
توأم سازی آموزش نظری با بخش‌های مهارتی Combining theoretical training with skill sections	
ایجاد ارتباط بین حرفه و دانشگاه از طریق انجمن‌های حرفه‌ای Establishing links between professions and universities through professional associations	ارتباط مناسب بین دانشگاه و حرفه Proper communication between university and profession
به کارگیری و اشتغال دانشجویان در حرفه متناسب با تحصیل Student recruitment and employment in a profession appropriate to education	
تشکیل جلسات مستمر با کارشناسان ارشد حرفه‌ای شاغل در صنعت Hold regular meetings with senior industry experts	

شرایط مداخله گر
Interfering conditions

راهبردها:

راهبردهای مورد نظر در نظریه داده بنیاد، به ارائه راه حل هایی برای مواجهه با پدیده مورد مطالعه اشاره دارد که هدف آن اداره کردن پدیده مورد مطالعه، برخورد با آن و حساسیت نشان دادن در برابر آن است (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). در این مطالعه، دو راهبرد اساسی به شرح جدول ۵ پیشنهاد شده است.

جدول ۵. کدهای باز و مقولات مربوط به راهبردها

Table 5.

Open code and categories related to strategies

کدهای باز Open code	مقوله ها categories
انتخاب روش های تدریس بر اساس انتظارات و محتوای دروس Choosing teaching methods based on expectations and content of lessons	
استفاده ترکیبی از روش های تدریس Combined use of teaching methods	
انتخاب روش تدریس بر اساس نیاز حرفه Choosing a teaching method based on your professional needs	
انتخاب روش تدریس مبتنی بر استانداردهای حسابداری ایران Selection of teaching method based on Iranian accounting standards	تنوع در روش های تدریس با توجه به اهداف Diversity in teaching methods according to goals
استفاده از روش مشارکتی تدریس Using a collaborative teaching method	
استفاده از روش های کارگاهی و پروژه ای Using workshop and project methods	
کاربردی سازی و تدریس عملی Practical and practical teaching	راهبردها strategies
تبدیل محیط کلاس به کارگاه آموزشی Transforming the classroom environment into a workshop	
بازدید عملی و حرفه ای در کنار تدریس نظری Practical and professional visit along with theoretical teaching	
اصلاح فرآیند کارآموزی Modify the apprenticeship process	توجه به ابعاد عملی روش های تدریس Pay attention to the practical dimensions of teaching methods
آشنایی دانشجویان در کلاس با فرم ها، کاربرگ ها و مدارک Introduce students to forms, worksheets, and documents in class	
تخصیص یک سایت کامپیوتری با تجهیز به یک نرم افزار حسابداری Assigning a computer site by equipping with an accounting software	

پیامدها:

پیامدها، نتیجه کنش (اعمال) و واکنش شرایطی است که در خصوص پدیده وجود دارد (اشتراوس و کوربین، ۲۰۰۸). در این مطالعه، چهار پیامد به شرح جدول ۶ شناسایی شد.

جدول ۶. کدهای باز و مقولات مربوط به پیامدها

Table 6.

Open codes and outcomes categories

کدهای باز Open codes	مقوله ها categories	
بهبود خلاقیت دانشجویان Improving student creativity		
یادگیری عمیق دانشجویان Deep learning of students	در نظر گرفتن دانشجویان به عنوان سرمایه اجتماعی	
درک دانشجویان از مطالب آموزشی Understanding students' educational content	Consider students as social capital	
ارتقای میزان دانش و مهارت دانشجویان Improve students' knowledge and skills		
ایجاد ارتباط مناسب بین دانشگاه و حرفه Establish a proper relationship between the university and the profession		
پر کردن شکاف بین آموزش و عمل Bridging the gap between education and practice	همگرایی بیشتر حرفه و دانشگاه Greater convergence of professions and universities	
متناسب شدن برنامه درسی با نیازهای بازار Fit curriculum to market needs		پیامدها outcomes
انتخاب روش تدریس بر اساس نیاز بازار Choosing a teaching method based on market needs		
گسترش دانش در زمینه روش‌های تدریس Expanding knowledge in teaching methods		
پرورش حسابداران و مدیران مالی خلاق Fostering creative accountants and financial managers		
رقابت پذیر نمودن سیستم آموزشی ایران با دانشگاه‌های موفق Compete Iran's education system with successful universities	تاسیس مراکز نوآورانه تدریس و یادگیری	
خارج شدن متون درسی از حالت ترجمه Exit texts from translation mode	Establishing innovative teaching and learning centers	
تایید شدن اثربخشی روش‌های تدریس Confirming the effectiveness of teaching methods		
تغییر گرایش از کنترل به پاسخگویی و مسئولیت پذیری Change of attitude from control to accountability and accountability		
تغییر گرایش از مدیریت به رهبری Change of attitude from leadership to leadership	تغییر تفکر و گرایش اساتید	
تغییر گرایش از دانش محدود به دانش گسترده Change of attitude from limited knowledge to broad knowledge	Change the thinking and attitude of the professors	
تغییر گرایش از تئوری به تئوری-عمل گرا Change of attitude from theory to theory-practice		

مدل نظری "بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش‌های تدریس" مطابق با ابعاد مدل پارادایمی^۱ در شکل ۷ قابل مشاهده است.



شکل ۷- مدل پارادایمی بهبود کیفیت آموزش حسابداری از طریق تحلیل روش‌های تدریس

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه حاکی از ۱۸ مقوله کلی است که پس از تحلیل یافته‌ها طی فرایند کدگذاری باز و محوری در چارچوب مدل پارادایمی ابعاد روش‌های تدریس مبتنی بر بهبود کیفیت آموزش حسابداری را بازتاب می‌دهد، در این راستا یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که پدیده محوری در فرایند روش‌های تدریس مبتنی بر بهبود کیفیت آموزش حسابداری "بهبود کیفیت آموزش حسابداری به عنوان یک رویکرد کلی در تدریس" است. آموزش علاوه بر تدریس باید شامل سایر فعالیت‌های فراهم‌کننده یادگیری نیز باشد. یکی از الزامات ارتقای رشته حسابداری در بعد آموزش، آموزش مناسب از طریق تدریس درست و با کیفیت است. با توجه به این موضوع بهبود کیفیت روش‌های تدریس و نیز به کارگیری روش‌های نوین و پذیرفته شده تدریس می‌تواند تضمین‌کننده یادگیری باشد و کیفیت تدریس و نیز کیفیت آموزش حسابداری را ارتقا دهد. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های فتحی آذر (۱۳۸۲) که خاطر نشان می‌سازد آنچه به کلاس درس و فعالیت‌های آن روح و هویت می‌بخشد، توانمندی‌ها و قابلیت‌های اساتید است که عموماً در قالب روش‌های تدریس نمود و عینیت می‌یابند مطابقت دارد. حل کردن مسائل و پرسش‌ها در کلاس‌ها، فقط برای پاسخ به آزمون مقطع بالاتر مفید است و برای ورود به بازار کار کافی نیست. دوره‌های کاربردی مرکز آموزش حسابداران خبره، جامعه حسابداران رسمی، سازمان مدیریت صنعتی و ده‌ها مرکز آموزشی دیگر، نمونه روش‌های نوین تدریس آشنا باشند و خود را ملزم به تسلط در دانشگاه‌هاست. از این رو اساتید نیز باید با روش‌های نوین تدریس آشنا باشند و خود را ملزم به تسلط بیشتر بر مباحث بدانند و روش‌هایی را انتخاب کنند که دانشجویان را مشتاق‌تر نماید و باعث شود که فاصله بین استاد و دانشجو کم‌تر شود و همچنین مواردی به دانشجویان تدریس شود که با آنچه در محیط کار از آن‌ها انتظار می‌رود مطابقت نماید. نتایج دیگر بیانگر آن است که نیازهای حرفه و صنعت و تکنولوژی روز به روز در حال تغییر است پس باید کیفیت آموزش به روز رسانی شود، یعنی فاصله بین آموزه‌های تئوری با مباحث عملی مورد نیاز بازار کار کاهش یابد. که این کار از طریق نزدیک کردن مهارت و دانش نظری دانشجویان با محیط کار و عملیاتی کردن آن، پشتیبانی سیستم آموزشی از فرصت‌های برقراری ارتباط با محیط‌های کاری و پشتیبانی سیستم آموزشی از دانشجویان برای یادگیری مهارت‌هایی که در دنیای کار مفید است، حاصل می‌شود که نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های گزارش بدفورد و شینکر (۱۹۸۷) که بیان می‌کند فاصله موجود بین آنچه حسابداران بکار می‌برند و آنچه اساتید دانشگاه تدریس می‌کنند، در حال افزایش است همخوانی دارد. همچنین نتایج پژوهش مؤید یافته‌های البریج و سک (۲۰۰۲) است که بیان می‌کنند به دلیل عدم انطباق مهارت دانش‌آموختگان با خواسته‌های بازار نیاز است که در رئوس دروس ارائه شده و روش‌های تدریس تجدید نظر اساسی صورت گیرد. همچنین نتایج بیان می‌دارد که حل کردن مسائل و پرسش‌ها در کلاس‌ها، فقط برای پاسخ به آزمون مقطع بالاتر مفید است و برای ورود به بازار کار کافی نیست. دوره‌های کاربردی مرکز

آموزش حسابداران خبره، جامعه حسابداران رسمی، سازمان مدیریت صنعتی و ده ها مرکز آموزشی دیگر، نمونه روشنی از عدم کفایت آموزش های مفهومی در دانشگاه هاست نتایج این قسمت با یافته های کارمونا و ترامبتا (۲۰۱۰) که عنوان کردند در محیط جدید حسابداری استفاده از رویکرد مفهوم محور برای آموزش حسابداری در مقابل آموزش قاعده محور اولویت دارد و باید چرخشی اساسی در آموزش حسابداری رخ دهد مطابقت دارد. با بهبود کیفیت آموزش حسابداری رضایتمندی دانشجویان بیشتر است و احساس خستگی نمی کنند همچنان که ثقفی و همکاران (۱۳۷۲) عنوان کردند که از میان استراتژی های گوناگون، ارتقای کیفیت آموزشی، بیشترین درجه اثربخشی را در اعتلای آموزش حسابداری دارد.

نتایج تحلیل و کدگذاری داده ها در مورد راهبردهای روش های تدریس مبتنی بر بهبود کیفیت آموزش حسابداری عبارتند از: تنوع در روش های تدریس با توجه به اهداف و توجه به ابعاد عملی روش های تدریس است. تنوع در روش های تدریس با توجه به اهداف، یعنی در تدریس هیچ موضوع درسی، یک روش تدریس کافی نیست؛ بلکه باید روش های گوناگون با یکدیگر ترکیب شوند. هنر استاد در این است که روش ها را متناسب با هدف و موضوع تدریس انتخاب کند و در یک هندسه منطقی آن ها را با یکدیگر ترکیب نماید و این کار موجب می شود تا با توجه به تفاوت های فردی، استعداد های گوناگون فراگیران مجال بروز و ظهور پیدا کند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته های داوولینگ و دیگران (۲۰۰۳) که عنوان کردند در ارزیابی خروجی کلاس های آموزشی با کمک تدریس ترکیبی و چند رسانه ای در مقابل روش رو در رو، روش ترکیبی بهتر از روش رو در رو است مطابقت دارد. نتایج دیگر پژوهش بیانگر آن است که اساتید باید از روش هایی که به هر طریق و شیوه ای مشارکت دانشجو در کلاس درس را به همراه دارد و از روش های مشارکتی، کار تیمی و گروهی و کارهایی که به شکل پروژه ای هستند، استفاده نمایند نتایج این قسمت از پژوهش با یافته های رفیعی و صفرزاده (۱۳۹۰) که در پژوهش خود، به لزوم تغییر روش های تدریس در حسابداری مدیریت پرداخته و ضمن برشماری روش های مختلف تدریس روش تدریس سخنرانی را مذموم دانسته و مدرسان را به سوی روش های تدریس مشارکتی رهنمون می سازد و هوانگ، لیو و تانگ (۲۰۰۵) که عنوان کردند بکارگیری روش یادگیری مشارکتی، عملکرد دانشجویان را بهبود می دهد و همچنین، با یافته های بهرامی نسب (۱۳۹۱) که بیان می کند شیوه های تدریس فعلی در اکثر کلاس های دانشگاهی، روش های استاد محوری و مشارکت کم دانشجویان در تدریس است و تغییر در شیوه های آموزش حسابداری به منظور بهبود کیفیت آموزش حسابداری را ضروری دانست همخوانی دارد. همچنین نتایج پژوهش بیان می دارد که انتخاب روش تدریس باید مبتنی بر استانداردهای حسابداری ایران، نیازهای بازار و تحولات آتی و بر اساس انتظارات و محتوی دروس باشد. در ایران اگر بر اساس استانداردهای خارج، از روش تدریس استفاده شود، مشکل ساز می شود. دومین راهبرد، توجه به ابعاد عملی روش های تدریس است. یعنی برای ایجاد انگیزش جهت یادگیری و ایجاد یادگیری عمیق و بالا بردن اعتماد به نفس دانشجو و ایجاد انگیزه لازم به اساتید برای

استفاده از آموزش عملی و ارتباط مناسب با نهادهای عرضه کننده خدمات حسابداری، باید به جنبه های عملی روش‌های تدریس توجه شود. در آموزش دروس تخصصی حسابداری، موارد دنیای واقعی مورد حل و بحث قرار گیرد و تدریس دروس اصول حسابداری و میانه ها همراه با نرم افزارهای حسابداری باشد تا دانشجویان به طور عملی آموزش ببینند. در هر دانشکده، یک اتاق به نام کارگاه حسابداری وجود داشته باشد و دانشجویان در هر ترم حداقل یک جلسه را به صورت عملی آموزش ببینند و احساس کنند که در محیط کار هستند که یکی از شیوه‌های آموزش عملی بازدید های علمی دانشجویان است. یکی دیگر از روش‌های آموزش عملی، ایجاد کارآموزی در سازمان‌ها و شرکت‌ها است. در بسیاری از دانشگاه‌های دنیا دانشجویان پس از گذراندن دوره های آموزشی به منظور طی نمودن دوره های حرفه‌ای الزامی می‌بایست به موسسه ای معتبر معرفی و آموزش‌های عملی را نیز فراگیرند. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های تقفی و همکاران (۱۳۷۲) که بیان کردند یکی از معیارهای اعتلای آموزش حسابداری در کشورهای در حال رشد ایجاد دوره های کارآموزی برای دانشجویان در حال تحصیل است همخوانی دارد. برگزاری کارگاه های آموزشی در دانشگاه و آشنایی دانشجویان در کلاس با فرم‌ها، کاربرگ‌ها و مدارک که به صورت عملی در صنعت مورد استفاده قرار می‌گیرند و همچنین تخصیص یک سایت کامپیوتری با تجهیز به یک نرم افزار حسابداری بسیار مفید است.

در نهایت، با توجه به تجزیه و تحلیل و کدگذاری داده‌ها، پیامدهای روش‌های تدریس مبتنی بر بهبود کیفیت آموزش حسابداری شامل: در نظر گرفتن دانشجویان به عنوان سرمایه اجتماعی، همگرایی بیشتر حرفه و دانشگاه، تأسیس مراکز نوآرانه تدریس و یادگیری و تغییر تفکر و گرایش اساتید است. نتایج مربوط به در نظر گرفتن دانشجویان به عنوان سرمایه اجتماعی نشانگر آن است که باید به دانشجویان به عنوان سرمایه اجتماعی دانشگاه اعتماد کرد و در واگذاری مسئولیت‌ها به آنان تردیدی ایجاد نشود. آن‌ها باید برای فردای پس از فراغت از تحصیل مستقل و مسئولیت‌پذیر بوده و اعتماد به نفس لازم را داشته باشند. با بهبود روش‌های تدریس تا حد قابل توجهی مشکلات رفع و انتظارات تامین می‌گردد. میزان دانش و مهارت دانشجویان قابل افزایش است. به رشته و حرفه حسابداری علاقه مند می‌شوند. استفاده از روش‌های جدید تدریس، قابلیت خلاقیت و یادگیری دانشجویان را بهبود می‌بخشد. در واقع، پیامد نهایی هر تدریس خوب، یادگیری عمیق دانشجویان است. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های آبراهام (۲۰۰۶) که بیان می‌کند ارتباط معنی داری بین رضایتمندی و رویکرد عمیق و رویکرد دستیابی به یادگیری وجود دارد و همبستگی منفی بین رضایتمندی و رویکرد سطحی به یادگیری وجود دارد و همچنین، با یافته‌های همتی و همکاران (۱۳۹۶) که بیان می‌کنند تجهیز دانشجویان به دانش و مهارت‌های لازم برای مشارکت مؤثر در جامعه ضروری است مطابقت دارد. نتایج مربوط به همگرایی بیشتر حرفه و دانشگاه بیانگر آن است که تمایل استادان حسابداری در دانشگاه‌ها به تدریس، همان چیزی است که در حرفه اتفاق می‌افتد، بنابراین دانشجویان می‌توانند در زمان فارغ التحصیلی آن چه آموخته اند

را در حرفه انجام دهند. از طرفی کارفرمایانی که دانش آموختگان حسابداری را به کار می‌گمارند، بیش از این که به دانش آن‌ها توجه داشته باشند، به این که با چه سرعتی دوره‌ی کارآموزی را طی می‌نمایند توجه دارند. آموزش در حسابداری بر اساس نیازهای آموزشی دانشجویان و بر پایه نیازهای کارفرمایان (استخدام کنندگان) حرکت می‌کند. شیوه‌های جدید تدریس می‌تواند در خصوص ارتباط بین آموزش‌های تئوریک و نیاز بازار کار حسابداری به عنوان یک حلقه ارتباطی مفید عمل نماید. آموزش مهارت‌های حرفه‌ای شرط ضروری برای تربیت حسابداران با صلاحیت و شایسته است. متأسفانه در سال‌های اخیر دانش آموختگان رشته حسابداری فاقد مهارت‌های حرفه‌ای و عملی لازم می‌باشند. اگر روش‌های تدریس نوین در حسابداری شکاف بین آموزش و عمل را پر کند مناسب است. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های داگلاس و همکاران (۲۰۱۰) که عنوان کردند نمی‌توان آموزش حسابداری و تجربه‌های کاری را جایگزین یکدیگر نمود و در یک آموزش حسابداری کارا، افزایش کیفیت کادر آموزشی، توجه به جایگاه حسابداران حرفه‌ای در امر آموزش و استفاده از حسابداران رسمی در دانشگاه‌ها، فرصت‌های مناسب برای ایجاد ارتباط میان آموزش و حرفه را ایجاد می‌نماید همخوانی دارد. نتایج مربوط به تأسیس مراکز نوآورانه تدریس و یادگیری بیان می‌دارد که ایجاد و استفاده از مراکز یادگیری، عمدتاً باهدف دسترسی به اطلاعاتی منسجم برای کسب آگاهی و دانش و در نهایت نیل به معرفت و شناخت است. انتظار بر این است که هر فعالیتی، از جمله تدریس، که به گونه‌ای هدفمند و منظم انجام می‌شود، پیامد مطلوب تری نسبت به انجام نامنظم آن به همراه داشته باشد. لذا، طراحی روش‌های تدریس که اثربخشی آن‌ها آزمون و تأیید شده است، می‌تواند بر محقق شدن اهداف آموزش حسابداری، کمک قابل توجهی کند. ایجاد مراکز نوآورانه تدریس و یادگیری، باعث رقابت پذیر نمودن سیستم آموزشی دانشگاهی ایران با دانشگاه‌های موفق، پرورش حسابداران و مدیران مالی خلاق و بالنده، گسترش دانش در زمینه روش‌های تدریس و کیفیت آموزش حسابداری، کمک به پیشرفت حل معضلات جامعه و خارج شدن متون درسی از حالت ترجمه می‌شود. نتایج این قسمت از پژوهش با یافته‌های زنگنه (۱۳۹۰) که بیان می‌کند مراکز یادگیری در واقع ایجادکننده شرایط مناسب و مطلوبی در قالب مراکز تدریس، مهارت، علاقه، مرکز جبرانی و نهایتاً مراکز غنی‌سازی برای اجرای یادگیری انفرادی یا در قالب گروه‌های کوچک، فعال و یادگیرنده محور است مطابقت دارد. همچنین، نتایج مربوط به تغییر تفکر و گرایش اساتید بیانگر آن است که فشارهای فزاینده بر اساتید ایجاب می‌کنند که در شرح وظایف و نقش اساتید بازنگری شود. شاید مهم‌ترین مقاومت در خصوص بهبود روش‌های تدریس و یا تغییر آن مقاومت از ناحیه اساتید است. تغییر تفکر اساتید و همکاری همه جانبه آنها در این خصوص در ابتدای کار لازم است تا گامی در جهت بهبود کیفیت برداشته شود. تغییری دیگری که در اساتید رخ خواهد داد گرایش از کنترل به پاسخگویی و مسئولیت پذیری است. با مشتاق تر شدن دانشجویان و طرح مسائل، اساتید نیز جهت پاسخگویی و حمایت دانشجو مشتاق تر می‌شوند. فاصله بین استاد و دانشجو کمتر می‌شود و هدف‌ها و

نیازها شناسایی می شوند. تغییر نگرش اساتید از تئوری به تئوری-عمل گرا یکی دیگر تغییراتی است که در اساتید رخ می دهد. یعنی اساتید از روش‌هایی استفاده می کنند که باعث شود دانشجویان به جنبه های عملی بیشتر آگاه شوند و در بکارگیری مهارت‌ها بهتر عمل کنند. تغییرات نرم افزاری در تدریس، استفاده از شیوه‌های نوین نرم افزاری در تدریس مثل پاورپوینت و اکسل، حذف جزوه گویی در کلاس، گسترش دانش در زمینه روش‌های تدریس و کیفیت آموزش مفید هستند. یافته‌های این قسمت از پژوهش با یافته‌های موهایدن و دیگران (۲۰۰۹) که عنوان کردند جنبه‌های مختلف در روش تدریس و ویژگی‌های استاد، از جمله رویکرد یادگیری محور، رویکرد تدریس محور، دانش، نگرش و شخصیت مدرس، بر تدریس اثربخش تأثیر مثبت دارد مطابقت دارد.

بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می شود الگوی مفهومی پیشنهادی این پژوهش به عنوان مبنایی برای تدریس اساتید در دانشگاه‌های مختلف کشور مورد استفاده قرار گیرد. از روش‌های تدریس ترکیبی و عمل گرا و مشارکتی استفاده شود و از روش‌های منفعلانه و سنتی تدریس پرهیز شود. فاصله بین انتظارات حرفه و آموزش دانشگاهی را با نزدیک کردن دانش و مهارت نظری دانشجویان با محیط کار، کارآموزی هدفمند و بازدیدهای علمی کاهش دهیم و کارگاه های آموزشی برای آگاهی و آشنایی اساتید جهت بهبود روش‌های تدریس، برگزار شود.

References

منابع

- باغومیان، رافیک و رحیمی باغی، علی (۱۳۹۱). موانع پیشرفت آموزش حسابداری در ایران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۹(۳۵)، ۶۹-۹۱.
- بوید، دیوید؛ بوید، سانیتیا و بوید، ویلیام (۲۰۰۰). *تغییر شیوه های آموزش حسابداری در ایران* (ترجمه م. خلیلی عراقی، ۱۳۸۱). حسابداری، ۱۷(۱۵۰)، ۶۵-۶۸.
- جلیلی، لیلی (۱۳۸۵). پیشرفت های آموزش حسابداری. *حسابرس*، ۸(۳۴)، ۷۴-۷۷.
- حسینی نسب، سیدداوود؛ دانشور، زرین و مجیدیانی، مریم (۱۳۸۸). مقایسه کارایی روشهای تدریس در پیشرفت تحصیلی درس علوم تجربی دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی منطقه زیویه استان کردستان. *پویش*، ۷(۷)، ۴۵-۶۲.
- خواجوی، شکرالله و منصوری، شعله (۱۳۹۰). ترکیب بهینه تدریس و پژوهش: تحول لازم در آموزش حسابداری. *دانش حسابرسی*، ۱۱(۵)، ۶۹-۸۱.
- رهنمای رودپشتی، فریدون؛ وکیلی فرد، حمیدرضا و رئیسزاده، سیدمحمدرضا (۱۳۸۸). تعیین اولویت‌ها و نیازهای آموزشی محتوای دروس حسابداری از دیدگاه دانشجویان، اساتید دانشگاه، شاغلین در حرفه و ارائه الگویی مؤثر. *تحقیقات حسابداری*، ۱(۴)، ۷۸-۹۷.
- شعبانی، حسن (۱۳۸۲). *مهارت‌های آموزشی*، تهران: انتشارات سمت.

شکاری، عباس (۱۳۹۱). تأثیر یادگیری مشارکتی بر رشد مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان. فصلنامه راهبردهای آموزش، ۵ (۱)، ۳۱-۳۷.

صفوی، امان‌الله (۱۳۹۵). روش‌ها، فنون و الگوهای تدریس. تهران: انتشارات سمت.
عظیمی، مجید (۱۳۸۵). یادگیری مشارکتی و کاربرت آن در آموزش حسابداری. حسابرس، ۸ (۳۴)، ۴۷-۵۱.

فتحی‌آذر، اسکندر (۱۳۸۲). روش‌ها و فنون تدریس. انتشارات دانشگاه تبریز.
قورچیان، نادرقلی (۱۳۷۹). جزئیات روش‌های تدریس، تهران: مؤسسه فراشناختی اندیشه.
کارمونا، اس و ترامبتا، ام (۲۰۱۰). همگرایی استانداردهای حسابداری مالی و نیاز به آموزش حسابداری مفهوم محور (ترجمه مسعود غلامزاده لداری؛ محدثه دزواره و نیلوفر ظهیرالدینی، ۱۳۹۰). حسابدار، ۲۸ (۲۳۶)، ۶۴-۶۹.

لیاقت دار، محمدجواد؛ عابدی، محمدرضا؛ جعفری، سیدابراهیم و بهرامی، فاطمه. (۱۳۸۳). مقایسه میزان تأثیر روش تدریس بحث گروهی با روش تدریس سخنرانی بر پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های ارتباطی دانشجویان. پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، ۱۰ (۳)، ۲۹-۵۵.
میرزا محمدی، محمدحسن. (۱۳۹۰). روش‌ها و فنون تدریس، تهران: انتشارات پوران پژوهش.
نصیری، احسان. (۱۳۹۱). "آموزش حسابداری در هنرارتوی روش‌های تدریس"، دهمین همایش ملی حسابداری ایران (ص ۲۲۳-۲۶۱). تهران، خرداد ۱۳۹۱، دانشگاه الزهرا.
نوروش، ایرج و مشایخی، بیتا. (۱۳۸۴). نیازها و اولویت‌های آموزشی حسابداری مدیریت؛ فاصله ادراکی بین دانشگاهیان و شاغلین در حرفه حسابداری. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۲ (۳)، ۱۳۳-۱۶۱.

وارسونو، اس؛ دارماوان، ای. و ریصنا، ای. (۲۰۰۹). تدریس اصول حسابداری از منظر ریاضی (ترجمه علی رحمانی و حمیده اثنی عشری، ۱۳۹۰). حسابدار، ۲۸ (۲۳۲)، ۶۲-۶۷.

Accounting Education Change Commission (AECC) (1990). Objectives of education for accountants: Position Statement Number One. *Issues in Accounting Education*, 2(5):307-312.

Albrecht, W., & Sack, R. (2000), *Accounting Education*, charting the course through a perilous future, American Accounting Association Sarasota, FL. 16(1):4-11.

Alhebri, A. A. Q. (2017). "Impact of the Adequacy of Teaching Methods on Accounting Education Quality According to International Education Standards and National Requirements." *International Journal of Management Studies*, 4(4): 56-77.

Azimi, M. (2006). Participatory learning and its application in accounting education. *Auditor*, 8(34): 47-51 [In Persian].

- Baghoomian, R., & Rahimi Baghi, A. (2012). The Barriers of Accounting Education Development in Iran. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 9(35): 69-91 [In Persian].
- Bedford N. M., & Shankir W. G. (1987). Reorienting accounting education. *Journal of Accountancy*, (August):84-91.
- Blackmore, J. (2009). "Academic pedagogies, quality logics and performative universities: Evaluating teaching and what students want". *Studies in Higher Education*, 34(8): 857-872.
- Boyd, D; Boyd, C., & Boyd, W. (2000). Changing Accounting Teaching Practices in Iran (Translated by M. Khalili Iraqi, 2002). *Accountant*, 17(150): 65-68 [In Persian].
- Carmona, S., & Trabeta, M. (2010). The Convergence of Financial Accounting Standards and the Need for Concept-Based Accounting Training (Massoud Gholamzadeh Ladari, Mohaddeseh Dezwarah and Niloufar Zahiruddin, 2011). *Accountant*, 28(236): 64-69 [In Persian].
- Corbin, J., & Strauss, A. (2014). Basics of qualitative research: *Techniques and procedures for developing grounded theory*, Sage publications.
- Corbin, J., & Strauss, A. (2008). Basics of Qualitative research *techniques and procedures for developing Grounded Theory*, 3th edition.
- Douglas, p., & Robert F. (2010) Dombrowski & R. Michael Garner & Kenneth J. Smith ' " The Accounting Education Gap " *The CPA journal*, 80(6): 6,8-10.
- Fathi Azar, E. (2003). *Teaching methods and techniques*. University of Tabriz Publications [In Persian].
- Ghourchian, N. Gh. (2000). Details of Teaching Methods, Tehran: Metacognitive Institute of Thought [In Persian].
- Hosseini Nasab, S. D; Daneshvar, Z., & Majidiani, M. (2009). Comparison of the efficiency of teaching methods in academic achievement of experimental sciences course for fifth grade elementary students in Zivieh region of Kurdistan province. *Pooyesh*, 7 (7): 45-62. [In Persian].
- Hruska, I. (2018). "Methods to Efficiently Achieve High-Quality Teaching of Accounting at the University-A Teaching Innovation Evaluation." *Journal of Educational Technology*, 17(1): 113-124.
- Jalili, L. (2006). Accounting Education Advances. *Auditor*, 8(34): 74-77 [In Persian].
- Khajavi, Sh., & Mansouri, Sh. (2011). Optimal Combination of Teaching and Research: A Necessary Transformation in Accounting Education. *Audit Knowledge*, 11(5): 69-81 [In Persian].
- Liaghatdar M. J., Abedi M. R., Jafari E., & Bahrami F. (2004). Effectiveness of Lecturing Teaching Method and Group- Discussion Teaching Method on Educational Achievements and Communicative Skills: A Comparative Study. *IRPHE.*; 10 (3): 29-55 [In Persian].
- Mirza Mohammadi, M. H. (2011). *Teaching Methods and Techniques*, Tehran: Pouran Research Publication [In Persian].

- Nasiri, E. (2012). "Accounting Education in the Labyrinth of Teaching Methods", *Tenth Iranian National Accounting Conference* (Pp. 223-261). Tehran, June 2012, Al-Zahra University. [In Persian].
- Noravesh, I., & Mashayekhi, B. (2005). Educational Accounting Needs and Priorities of Management; Perceptual gap between academics and practitioners in accounting profession. *Accounting and Auditing Reviews*, 12(3): 133-161. [In Persian].
- Rahnama Roodposhti, F; Vakili Fard, H. R., & Raeszadeh, S. M. R. (2009). Determining the Priorities and Educational Needs of Accounting Courses Content from the Perspective of Students, University Professors, and Professionals Providing an Effective Model. *Accounting Researches*, 1(4): 97-78 [In Persian].
- Raluca, S. (2016). "Using Interactive Methods in Teaching Accounting." *Studies in Business and Economics*, 11(2): 130-139.
- Richards, J. C. (2002), "Theories of teaching in language teaching", In J. C. Richards & W. A. Renandya (Eds.), *Methodology in language teaching: An anthology of current practices*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Slaughter, R. A. (2011) . The Integral futures controversy. *Journal of Integral Theory and Practice*, 6(2): 105-111.
- Safavi, A. (2016). *Teaching methods, techniques and patterns*. Tehran: Samt Publications. [In Persian].
- Shabani, H. (2003). *Educational Skills*, Tehran: Post Publications [In Persian].
- Shakari, A. (2012). The Impact of Participatory Learning on Students' Social Skills Development. *Journal of Education Strategies*, 5(1): 31-37 [In Persian].
- Strauss, A., & J. Corbin (1998). Basics of Qualitative Research: *Grounded Theory Procedures and Techniques*, (2nd ed.). Thousand Oaks, CA: Sage.
- Sullivan, E. J. (1996). Teaching financial statement analysis: A cooperative learning approach. *Journal of Accounting Education*, 14(1): 107-111.
- Urbancic, F. R. (2009). Individual and Institutional Contributors to Research in Accounting Education. *The Accounting Educators' Journal*, 19(1): 21-44.
- Varsono, S., Darmavan, A., & Risna, O. (2009). *Teaching Principles of Accounting from a Mathematical Perspective* (Translated by Ali Rahmani and Hamideh asna Ashari, 2011). *Accountant*, 28(232): 62-67 [In Persian].
- Xiang, M. (2016). Improving the Quality of Learning in Accounting through Advice and Learning Experiences from Former Students. *Advances in Accounting Education: Teaching and Curriculum Innovations*, Emerald Group Publishing Limited: 18(1): 1-22.
- Zahorik, J. A., (1986), "Acquiring teaching skills", *Journal of Teacher Education*, (March-April), 37(2): 21-25